

بیت امام نغمه‌های شیطانی را در هم شکند

صفحه ۲



سه‌شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۹۵ | ۱۳ ذی‌القعدة ۱۴۳۷ | ۱۶ آگوست ۲۰۱۶ | سال هشتم | شماره ۱۹۵۶ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

وطن امروز

۱۱۷۷ سال و ۲۴۰ روز گذشت

این دنیا دنیاى خوردن یارانه نیست!

صفحه ۳



سالروز یازدهم گشت پیروز مندانانه فرزندان امام خمینی، آزادگان سرفراز به میهن اسلامی را تبریک می‌گوییم

مدعیان خط امام مردود مرداد!

حسین قدیانی



چه حکیمانه سخنی است از امام راحل که اهل قلم، هم در برابر آنچه می‌نویسند مسؤولند، هم در برابر آنچه باید بنویسند و نمی‌نویسند!

از قضا متن پیش رو از آن مطالبی است که اگر نویسم، گمانم نه جوابی برای خدا خواهم داشت، نه البته پاسخی برای روح خدا! من اما راستش می‌خواستم همان هفته پیش این یادداشت را بنویسم اما فکر کردم صبر کنم بهتر است! یک هفته‌ای صبوری پیشه کردم تا ببینم این داعیه‌داران محترم خط امام چه واکنشی از خود نشان می‌دهند! یک هفته‌ای صبر کردم تا ببینم حضراتی که علی‌الدوام مایه از رفاقت دور و دراز خود با حاج احمد آقا می‌گذارند، چه واکنشی از خود نشان می‌دهند! مسوق بر بعضی سوابق، شاید تصور کنید توقع داشتم چند نفری از این جماعت، از شدت غصه غش کنند یا چه می‌دانم؛ حتی قالب تهی کنند، لیکن نه! توقع من تنها و تنها «جواب» بود! جوابی البته فراخور توهین‌های صورت گرفته و متناسب با دروغ‌های نسبت داده شده دیگر کدام اهانت به امام بزرگوار ما، بزرگ‌تر از اهانت مدنظر؟! و کدام دروغ بستن به او، بزرگ‌تر از دروغ‌های مدنظر؟! من واقعا عذرخواهم اما در آن فایل مدنظر، واقعا ناسزایی هم باقی گذاشتند؟! در همین بوجوه، شگفتا! جناب مجید انصاری خط امامی، مصاحبه می‌کنند و از آقای روحانی به عنوان مظلوم‌ترین رئیس‌جمهور یاد می‌کنند! نیز متذکر می‌شوند ما تلب تحمل اهانت به رئیس‌جمهور را نداریم! اما از مظلومیت روح خدا! اما از مظلومیت خمینی! اندازه چندین توپخانه، انواع و اقسام اهانت و دروغ و ناسزا به امام بزرگوار ما نسبت داده شد اما اغلب این مدعیان خط امام «روزه سکوت» گرفتند!

چند نفری هم که اظهار نظری کردند، در حد شلیک چند کلوله مشتقی بود! که تخیر! امام همچنان محبوب است! این شد جواب آن حجم بلندبالا از دروغ و افترا به خمینی بت‌شکن؟! همین؟! یعنی «خط امام» فقط یک افت تلبیغاتی است که تا می‌توانیم از امام آبرو کسب کنیم و تا می‌توانیم امام را خرج خود کنیم اما برای یک بار هم که شده راضی نباشیم خودمان را آنچه‌آن که شایسته و بایسته است هزینه امام کنیم؟! من تعجب می‌کنم از جماعتی که اندک اهانتی به خود را تحمل نمی‌کنند اما وقتی به امام مظلوم ما می‌رسد، این همه گشاده‌دست می‌شوند! من تعجب می‌کنم از جماعتی که ایمن همه نان رفاقت خود با مرحوم حاج احمد آقا را می‌خورند و به درست یا غلط، ادعاهای دور و دراز در باب این رفاقت دارند اما وقت حادثه، حاضر به ارائه ۲ خط جواب درست و درمان نیستند! براساس این رسم کدام رفاقت است که امام و یادگارش را اینگونه تنها بگذاریم، این هم در مواجهه با منافقین بدتر از کفار؟! آن هم توسط مدعیان خط امام؟! آن هم از سوی مدعیان دوستی دیرینه با حاج احمد آقا؟! طرفه حکایت اینجا است که موضوع مربوط به فایل مدنظر، مربوط به همان سالهایی می‌شود که همین مدعیان خط امام، زمام اغلب امور را در دست داشتند! یعنی بخشی از بار اهانت‌ها و دروغ‌های مد نظر، سوار بر شانه خود حضرات است! و موضوع جوری بود که اگر آقایان به صحنه می‌آمدند و موضع متناسب اتخاذ می‌کردند، حتی یک تخم‌مرغ هم وارد سبد جریانی که امروز اصولگرا خوانده می‌شود، نمی‌شد! پس چرا آقایان مایه لازم را نگذاشتند؟! آیا جز این است که مستند به صدها واقعیت غیرقابل انکار، ایشان تاب اندک اهانتی به خود را ندارند؟! پس چرا آقایان مایه لازم را نگذاشتند؟! آیا چون بیشتر پای خمینی در میان بود؟! یا چون بیشتر پای حاج احمد آقا در میان بود؟! یا چون بیشتر پای اصل ولایت‌فقیه در میان بود؟! آری! چون بیشتر پای خمینی در میان بود و الا این جماعت و سکوت در برابر اهانت! مع‌الاسف جماعتی هستند که حتی اهانت هم به ایشان ننشود، با هزار و یک ترفند، خود را در جایگاه مظلوم قرار می‌دهند که به ما توهین شده! که کاش فقط همین! علقت اینگونه مواقع مدعی می‌شوند به امام توهین شده!

ادامه در صفحه ۵

همایش ایران کانکت در هتل اسپیناس پالاس تهران؛ چهره‌های ایرانی حاضر در لیست تحریم‌ها حق شرکت ندارند!

سفارت انگلیسی برای ما تصمیم می‌گیرد!!

درباره شعبده‌بازی دولت در آمار اقتصادی

مهدی فرقاتی

اعلام نرخ رشد اقتصادی ۲/۴ درصدی برای ۳ ماه نخست سال ۹۵ از سوی رئیس‌جمهوری در میان مردم کپیگولوپوبویر احمد، خبری مهم برای فعالان اقتصادی به شمار می‌آید. بویژه افرادی که هنوز در انتظار اعلام نرخ رشد اقتصادی سال ۹۴ توسط بانک مرکزی مانده‌اند.

بعید است اهمیت اعلام شفاف و بموقع آمار بر کسی پوشیده باشد؛ همان‌طور که اظهار نظر مدیرکل اطلاعات و آمار جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور درباره عدم اعلام آمار طلاق، انتقادهای گسترده‌ای را پدید می‌آورد و تأثیرات مشهودی بر محتوای شبکه‌های اجتماعی می‌گذارد، سکوت بانک مرکزی درباره میزان نرخ رشد اقتصادی کشور در سال ۹۴ نیز موضوعی تعجب‌برانگیز و ناپسند از نظر فعالان اقتصادی (چه از طیف موافقان دولت روحانی و چه از طیف منتقدان این دولت) به شمار می‌آید.

مروری بر اظهار نظرهای رئیس کل بانک مرکزی نیز نشان می‌دهد اهمیت اعلام بموقع آمار، بارها مورد تأکید وی قرار گرفته است. سیف در برنامه تیر امشب شبکه خبر و در شرایطی که دولت و بانک مرکزی از رشد اقتصادی ۳ درصدی سال ۹۳ خرسند بوده‌اند، می‌گوید: «در بانک مرکزی به محض اینکه آمار تولید می‌شود در پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی قرار می‌گیرد و هیچ ملاحظه‌ای در این رابطه وجود ندارد؛ این موضوع کمک می‌کند تصویر واقعی اقتصاد را بتوانیم در عدد و رقم و آمار منتشر شده ببینیم». سیف در اظهار نظر دیگری که در همایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری با رویکرد اقتصاد مقاومتی در همان‌جا داشت نیز به این موضوع اشاره کرد و گفت: «برای اینکه هیچ شبهه‌ای نباشد از رئیس‌جمهور اجازه گرفته‌ام به محض اینکه اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی، آمار را تولید کرد بلافاصله روی سایت بانک مرکزی قرار گیرد. بنده نیز از طریق سایت از آخرین آمار مطلع می‌شوم؛ تولید دقیق و بموقع آمار اقتصادی به سرمایه‌گذار علامت می‌دهد و امکان برنامه‌ریزی در اقتصاد را فراهم می‌کند». رئیس کل بانک مرکزی در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر اینکه باید با دقت و وسواس تلاش کنیم تا سرمایه‌گذار بتواند پیش‌بینی‌های لازم را انجام دهد و اقتصاد قابل پیش‌بینی شود، خاطر نشان کرد: هیچ سرمایه‌گذاری نمی‌تواند بدون ابزار لازم، برنامه‌ریزی کند. ما ابزار لازم را در اختیار سرمایه‌گذار و فعال اقتصادی قرار می‌دهیم تا به حرکت مثبت خویش ادامه دهد.

ادامه در صفحه ۵

دولت علامت تعجب‌ها!

محمد زعیمازه

نوعی زدن منطق عمومی دولت در این ۳ سال است و هم بازگشت به سبک مدل مذاکرات تلخ و بی‌ثمر سعادت‌آباد با کشورهای اروپایی در سال‌های ۸۲ و ۸۳. معنای خوشبینی به برجام آقای روحانی و همکاران‌شان در دولت یازدهم به آمریکا بدبین باشندن خود گلمی به جلوی برد و انصافا باید برای همین ۳ کلمه قمار جناب روحانی هم هورا کشید، حداقل در پیش‌زمینه ذهنی مشاوران اصلی جناب روحانی مانند دکتر سربعلقلم بدگمانی و بدبینی نسبت به آمریکا به مثابه کفر ایلین و مانند یک گوشه‌نشین در یک محیط دایره‌های شکل است. اینکه جناب روحانی لفظ آمریکا را به شکل عام به کار می‌برد و قائل به تفکیک آن پسر مودب و باهوش با کنگره و جمهوری خواهان ... هم نیست این هم خیلی خوب است اما آنجا علامت تعجب لازم می‌شود که جناب روحانی به‌رغم بدبینی نسبت به آمریکا همچنان اعلام خوشبینی نسبت به برجام می‌کند: «هنر این است که ما تهدید را به آسیب و آسیب را به فرصت تبدیل کنیم از این رو مذاکره با آمریکا امکانپذیر و شدنی است اما سخت است هرچند بنده معتقدم مذاکره با آمریکا راحت‌تر از مذاکره با اروپاست، چرا که اروپایی‌ها به دنبال «آقا اجازه» از آمریکا هستند. از این رو دولت آینده باید بتواند رابطه ایران و آمریکا را از حالت تخصص به مرحله تنش که یک مرحله پایین‌تر است برساند. آمریکایی‌ها کدخدای ده هستند، با کدخدا بستن راحت‌تر است.» این بخشی از مهم‌ترین سخنان انتخاباتی جناب روحانی در دانشگاه شریف در اردیبهشت ۹۲ است، بخشی از همان اتاق دایره‌ای که نمی‌شد هیچ گوشه‌ای برای نشستن در آن پیدا کرد، اظهاراتی که عملاً بخش مهمی از ماتریفست عملیاتی دستگاه دیپلماسی دولت یازدهم بود. دولت جناب روحانی دولتی بود که چه به صورت اعلامی و چه به صورت عملی در این ۳ سال به مسیری رفت تا با آمریکا مذاکره کند، زیرا اولاً معتقد بود آمریکا کدخداست و آقا بالاسر اروپا و ۵۰۱ و شورای امنیت و ... ثانیاً بیشترین و موثرترین تحریم‌ها را وضع کرده و با اعمال جرمه‌هایی حتی دیگر اجازه دور زدن تحریم‌ها را هم نمی‌دهد فلذا می‌توان با هنر ظریف دیپلماسی و لیخند و پیاده‌روی کدخدا را سر خط کرد و این تحریم‌ها را برداشت. این دولت حقیقتاً دولت علامت تعجب‌هاست، اینکه جناب روحانی صریحاً اعلام می‌کند به آمریکا بدبینی ولی به برجام خوشبین هم به

ادامه در صفحه ۵

روزنه

۱- «به آمریکا بدبینم و به برجام خوشبین». این شاید مهم‌ترین جمله حسن روحانی در سخنرانی روز یکشنبه در جمع مردم پاسوج باشد، اینکه جناب آقای روحانی و همکاران‌شان در دولت یازدهم به آمریکا بدبین باشندن خود گلمی به جلوی برد و انصافا باید برای همین ۳ کلمه قمار جناب روحانی هم هورا کشید، حداقل در پیش‌زمینه ذهنی مشاوران اصلی جناب روحانی مانند دکتر سربعلقلم بدگمانی و بدبینی نسبت به آمریکا به مثابه کفر ایلین و مانند یک گوشه‌نشین در یک محیط دایره‌های شکل است. اینکه جناب روحانی لفظ آمریکا را به شکل عام به کار می‌برد و قائل به تفکیک آن پسر مودب و باهوش با کنگره و جمهوری خواهان ... هم نیست این هم خیلی خوب است اما آنجا علامت تعجب لازم می‌شود که جناب روحانی به‌رغم بدبینی نسبت به آمریکا همچنان اعلام خوشبینی نسبت به برجام می‌کند: «هنر این است که ما تهدید را به آسیب و آسیب را به فرصت تبدیل کنیم از این رو مذاکره با آمریکا امکانپذیر و شدنی است اما سخت است هرچند بنده معتقدم مذاکره با آمریکا راحت‌تر از مذاکره با اروپاست، چرا که اروپایی‌ها به دنبال «آقا اجازه» از آمریکا هستند. از این رو دولت آینده باید بتواند رابطه ایران و آمریکا را از حالت تخصص به مرحله تنش که یک مرحله پایین‌تر است برساند. آمریکایی‌ها کدخدای ده هستند، با کدخدا بستن راحت‌تر است.» این بخشی از مهم‌ترین سخنان انتخاباتی جناب روحانی در دانشگاه شریف در اردیبهشت ۹۲ است، بخشی از همان اتاق دایره‌ای که نمی‌شد هیچ گوشه‌ای برای نشستن در آن پیدا کرد، اظهاراتی که عملاً بخش مهمی از ماتریفست عملیاتی دستگاه دیپلماسی دولت یازدهم بود. دولت جناب روحانی دولتی بود که چه به صورت اعلامی و چه به صورت عملی در این ۳ سال به مسیری رفت تا با آمریکا مذاکره کند، زیرا اولاً معتقد بود آمریکا کدخداست و آقا بالاسر اروپا و ۵۰۱ و شورای امنیت و ... ثانیاً بیشترین و موثرترین تحریم‌ها را وضع کرده و با اعمال جرمه‌هایی حتی دیگر اجازه دور زدن تحریم‌ها را هم نمی‌دهد فلذا می‌توان با هنر ظریف دیپلماسی و لیخند و پیاده‌روی کدخدا را سر خط کرد و این تحریم‌ها را برداشت. این دولت حقیقتاً دولت علامت تعجب‌هاست، اینکه جناب روحانی صریحاً اعلام می‌کند به آمریکا بدبینی ولی به برجام خوشبین هم به

ادامه در صفحه ۵

خوابی که دیده‌اند

مهدی محمدی



یکم- در ماه‌های گذشته یک تئوری جدید در برخی محافل عموماً نزدیک به دولت شکل گرفته که می‌گوید اختلاف‌ها میان آمریکا و سعودی درباره شکل‌بندی ژئوپلیتیکی منطقه و کیفیت موازنه قوا در آن، واقعی است و آمریکا در حال حرکت به سمتی است که اولاً دست و پای خود را از منطقه جمع کند و ثانیاً با هدف کنترل پدیده جهانی تروریسم، راهبردی جدید در منطقه در پیش بگیرد که خروجی آن می‌تواند «بازتعریف اتحاد‌های آمریکا در منطقه» و در نتیجه «وارد شدن ایران به جرگه متحدان آمریکا» باشد. این صورت‌بندی بسیار خلاصه از یک تئوری کم و بیش مبسوط است که در نهایت توصیه می‌کند ایران باید براساس یک تفاهم ژئوپلیتیک با آمریکا، بخشی از نظم منطقه‌ای باشد که «قدرت‌های بزرگ» روی آن اجماع دارند و به این روش، حریف اصلی منطقه‌ای خود یعنی سعودی را هم کنترل کند. به زبان ساده‌تر، کسانی معتقدند ایران باید از طریق سازش منطقه‌ای با آمریکا، عربستان و پدیده تکفیری‌گری را کنترل کند. بدون آنکه بخواهیم وارد جزئیات شویم، در همان نگاه اول می‌توان دید این تئوری چند اشکال اساسی دارد: اولاً مدافعان سازش ژئوپلیتیک با آمریکا (بخوانید برجام ۲) این نکته را در نظر نمی‌گیرند که روایت‌های جدید از استراتژی منطقه‌ای آمریکا -از جمله آنچه «جیک سالویان» به عنوان یکی از اصلی‌ترین مشاوران «هیولاری کلینتون» گفته- ایده خروج از خاورمیانه را به طور کامل منتهی کرده و آمریکایی‌ها اکنون به صراحت می‌گویند نه فقط در منطقه خواهند ماند، بلکه از هم اکنون به این می‌اندیشند که چگونه باید روابط واشنگتن را با اعراب سنی در منطقه «عماری مجدد» کنند. در واقع از حالا کاملاً روشن است که اگر برنده انتخابات نامبر در آمریکا هیولاری کلینتون باشد، یکی از اولین پروژه‌های او ورود مجدد به خاورمیانه به عنوان بخشی از ائتلاف تکفیری علیه محور مقاومت خواهد بود. ثانیاً اغراق درباره اختلافات آمریکا با برخی بازیگران منطقه‌ای ناشی از عدم درک صحیح محل نزاع آنجاست. آنچه پس از برجام میان سعودی و آمریکا رخ داده، رویکردی عربستان از آمریکا نیست، بلکه نگرانی از این است که جایگاه سعودی در راهبرد منطقه‌ای آمریکا تضعیف شود و دقیقاً به همین دلیل، همه آنچه اکنون سعودی در پی آن است -و پایه‌های آن در نشست کمپ دیوید ریخته شد- این است که مجدداً نقش سنتی خود را در راهبرد منطقه‌ای آمریکا احیا کند. در واقع، منازعه در سعودی بر سر چگونه نزدیک‌تر شدن به آمریکاست نه نحوه دور شدن از آن. در نتیجه این ساده‌اندیشی محض است -و با هیچ اطلاعات میدانی هم تطبیق ندارد- که کسی تصور کند آنچه عربستان امروز در منطقه می‌کند، بویژه برنامه سعودی در یمن و سوریه، ناهماهنگ با آمریکا است یا در این حوزه‌ها، شکافی چنان عمیق میان آنها وجود دارد که ایران بتواند از آن بهره‌ای ببرد. سعودی همچنان یک ابزار در دست آمریکا است همان‌طور که سیدحسن نصرالله چند روز پیش گفت بار اصلی که این بار آمریکایی‌ها روی دوش آن گذاشته‌اند این است که رهبری جریان تکفیری در منطقه را به عنوان «تازه‌ترین حریف منطقه‌ای مقاومت» بر عهده بگیرد. اگر از این منظر به مساله نگاه کنیم هرگونه محاسبه روی شفاف آمریکا و سعودی در منطقه در واقع ترفندی برای نزدیک شدن به آمریکا خواهد بود بی‌آنکه چیزی از حقیقت در آن نهفته باشد.

دوم- یکی از بهترین نشانه‌ها که ثابت می‌کند عربستان همچنان بخشی از یک برنامه آمریکایی برای منطقه است نزدیکی نشان‌های ریاض به تل آویو و حرص و ولعی است که هر دو طرف برای تشکیل یک جبهه واحد منطقه‌ای از خود نشان می‌دهند. این امر آشکارا به نفع آمریکاست چرا که اولاً کلامی اساسی به سمت حل مساله فلسطین محسوب می‌شود و ثانیاً با ایده اصلی اواما - که کلینتون هم موافق آن است - مبنی بر شکل‌دهی به یک مکانیسم مهار منطقه‌ای قدرتمند در مقابل ایران است. با این ائتلاف جدید قصد دارد فاز جدیدی از عملیات نیمه سخت علیه ایران را که هدف اصلی آن سرایت دادن نامنی‌های منطقه به داخل ایران است، آغاز کند.

ادامه در صفحه ۵